یادمان

به‌مناسبت سالگرد شهادت سردار حسن تهرانی‌مقدم

پدر موشکی ایران

حسن عبدالله‌زاده

شش سال پیش در چنین ایامی و براثر حادثه‌ای خونین در مرکز پشتیبانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جمعی از افراد ممتاز کشور از جمله سردار شهید حسن تهرانی‌مقدم به شهادت رسیدند و کشور یکی از فرزندان نخبه خود را از دست داد. به‌دنبال تهاجم عراق به خاک کشورمان ضرورت ارتقای توانمندی دفاعی کشور برای مقابله با تهدیدات دشمنان خود را نشان داد. سردار حسن تهرانی‌مقدم از جمله نخستین کسانی بود که به این ضرورت پی برد و موضوع را به همراه طرحی با شهید حسن باقری در میان گذاشت. طرح اولیه شامل توان ساخت انواع خمپاره‌اندازها با حمایت شهید حسن باقری که از مدیران آینده‌نگر سپاه بود در پاییز ۱۳۶۰ کلید خورد و خود وی نیز مسئول پیگیری این طرح که به‌منظور پشتیبانی آتش پدافندی تدارک شده بود، تعیین شد. با همت و پشتکار حسن تهرانی‌مقدم بعد از چند ماه یگان‌های سپاه مجهز به خمپاره‌اندازهای ساخت خود شدند و در دفاع از سوسنگرد و دهلاویه، همچنین ممانعت از عبور زرهی دشمن از پل سابله و سقوط بستان شیرینی آتش مؤثر را به فرماندهان چشاند. مرحله بعدی ایجاد توپخانه سپاه بود که با مشاهده استعداد و توان حسن تهرانی‌مقدم این مأموریت هم به وی سپرده می‌شود. حسن، شهید شفیع‌زاده و چند نفر دیگر را با خود همراه می‌سازد و بزودی یگان توپخانه سپاه تأسیس می‌شود. پس از مدتی با مشاهده موفقیت‌های حسن تهرانی‌مقدم سردار رحیم صفوی پیشنهاد تأسیس یگان موشکی سپاه را با سردار تهرانی‌مقدم در میان می‌گذارد تا توان آتش دفاعی با برد بلند نیز در اختیار سپاهیان قرار گیرد. ارتش ایران قبل از انقلاب تمایل به داشتن امکان موشکی داشت ولی امریکایی‌ها با آن مخالف بودند به همین دلیل ارتش ایران به‌رغم توانایی در سایر زمینه‌ها فاقد هرگونه امکان موشکی بود در حالی که ارتش عراق به موشک فراگ ۷ و اسکاد بی روسی مجهز بود. یگان موشکی سپاه با خرید تعدادی موشک از لیبی و کره شمالی و آموزش نیروهای مستعد از سوی کارشناسان این کشورها کار خود را شروع کرد و در مهر ماه ۱۳۶۳ دکترین قدرت موشکی کشور تحقق یافت و این در شرایطی بود که شهرهای کشور مورد اصابت موشک‌های عراقی قرار می‌گرفت. در پی موشکباران شهرهای کشور ابتدا امام خمینی(ره) به جنایتکاران بعثی هشدار دادند که دست از موشکباران شهرها بردارید وما را مجبور به تلافی نکنید. عراقی‌ها که فکر می‌کردند ایران بلوف می‌زند و چیزی در چنته ندارد به موشکباران شهرها ادامه دادند. ایران نیز به ناچار نخستین موشک خود را به‌منظور بازدارندگی عراق به سوی تأسیسات نفتی کرکوک شلیک کرد. عراقی‌ها که باور نمی‌کردند ایران به توان موشکی دست یافته باشد آن را خرابکاری قلمداد کردند اما وقتی دومین موشک ایران بانک رافدین در قلب بغداد را نشانه گرفت به این توان پی بردند و برای مدتی دست از شرارت و موشکباران شهرها کشیدند. شهید حسن تهرانی‌مقدم پس از جنگ در کسوت فرماندهی سازمان جهاد خودکفایی سپاه پاسداران به توان موشکی کشور افزود و یکی از پایه‌گذاران برنامه موشکی کشور لقب گرفت. ساخت و تولید موشک در واحد موشکی سپاه تحت مدیریت او انجام می‌شد و بدین خاطر برخی از همکارانش به او لقب پدر موشکی ایران دادند. حسن تهرانی‌مقدم در ۲۱ آبان‌ماه ۱۳۹۰ بر اثر انفجار زاغه مهمات در پادگان شهید مدرس در شهرستان ملارد، به همراه جمعی دیگر از همکارانش به شهادت رسید.

حکایت عشق و صبر یک مادر

رضا احمدی

مادران شهدا انگار از جایی دیگر در زمین هبوط کرده‌اند و در میان ما جا گرفته‌اند. با ما هستند اما گاهی به‌نظر می‌رسد از ما نیستند. مگر می‌شود قامت نوجوان و جوانت را شکسته و زخم دیده ببینی و خم به ابرو نیاوری؟ تیمارش کنی و دوباره به سوی آتش بفرستی‌اش که دین محمد به جانفشانی او نیازمند بود؟ مگر اینها از کدام چشمه عشق سیراب شده بودند که یک عمر در حسرت دیدار فرزندشان ماندند و لب به شکایت نگشودند و جز تسلیم و تکریم پروردگارشان چیزی از آنها ندیدیم؟ روایت امروز ما روایت یکی از خیل مادران سرفراز و دلباخته شهدای این سرزمین است. آنها که نه جان بل همه هستی‌شان را دادند که به آیین محمدی و خاک پاک این سرزمین خدشه‌ای وارد نشود. به روح بلندشان سلام و صلوات می‌فرستیم و از خداوند می طلبیم ما را شرمنده آنها نکند.

به سال‌های گذشته که فکر می‌کند لبخندی از رضایت بر لب‌هایش می‌نشیند و صورت مهربانش را شیرین‌تر و مهربانتر می‌کند. در تمام سال‌های جنگ معمولاً دو پسر از چهار فرزند ذکورش در جنگ و جبهه بودند، گاهی حتی سه نفر از آنها. یکی از بچه‌هایش در عملیات والفجر مقدماتی مفقودالاثر می‌شود و دوازده سال بعد کلاهش را که تیر خلاص نابکاران عراقی بر آن نقش بسته بود به همراه تکه‌هایی از استخوان‌های باقیمانده‌اش برایش می‌آورند.

پسر ارشدش سالیانی بعد تاب جور و جفای فلک کژمدار را نمی‌آورد و به دیار دیگر پر می‌کشد. آن دو پسر دیگرش هم در طول جنگ یکی در میان زخمی می‌شوند و به خانه می‌روند و او پرستاری‌شان را می‌کند و التیام‌شان می‌دهد و به جنگ برمی‌گردند، تا پایان آخرین روزهای آن جنگ نابرابر.

خود او اما حکایت عاشقی و از خود گذشتگی و سرگشتگی است. آرزویش رفتن به جبهه بود اما نتوانست و نشد که برود. از همان آغازین روزهای جنگ همه همت خود را خرج پشتیبانی از بچه‌های جنگ می‌کند. «حاج خانم بورقانی» معتمد همه مردم مسجد و محل بود و هنوز هم هست. کافی بود اعلام کند بچه‌ها در جبهه به چیزی نیاز دارند تا ملت نه چندان متمول نظام‌آباد و مسجد جامع فاطمیه هرچه دارند و می‌توانند در اختیارش بگذارند که به جبهه برساند.

روزی را به یاد می‌آورد که پسرش از باختران به او تلفن زده بود. فکر می‌کند سال ۱۳۶۵ بود. گفته بود عملیاتی در کردستان در پیش دارند و برای آن احتیاج به لباس گرم و ژاکت و دستکش و کلاه و جوراب و اورکت امریکایی دارند. برای بیست نفر آن البسه و وسایل را می‌خواستند. «حاج خانم بورقانی» دست به کار شده بود و با بسیج زنان محل و کمک‌های اهالی مسجد هم ژاکت‌ها و کلاه‌ها را بافته بودند و هم اورکت‌های امریکایی و دستکش‌ها و جوراب‌ها را برای همه خریده و آماده کرده بودند.

لباس‌ها بموقع به دست بچه‌ها می‌رسد و کارشان را راه می‌اندازد. هر چه کم داشتند کافی بود پیغامی به «حاج خانم» برسانند و فی الفور همه چیز تهیه و ارسال می‌شد. تا روز آخر جنگ همه فکر و ذکرش نه فقط بچه‌های خودش، که همه رزمندگان بود. گویی همه را بچه‌های خود می‌دانست.

در کنار جمع‌آوری کمک‌های مردمی و ارسال آنها به جبهه، مراقب خانواده‌های بی‌بضاعت محل هم بود. خانه‌اش محل رجوع گرفتارانی بود که می‌دانستند هم حوائج‌شان را رفع می‌کند و هم حرمت و آبرویشان را حفظ می‌کند. سرمایه اعتماد و حسن شهرتی که در محل داشت موجب می‌شد از هر دو جهت کمک‌کنندگان و کمک گیرندگان محل مراجعه باشد. تا وقتی که می‌توانست خودش کمک‌ها را بی‌صدا به خانه‌های نیازمندان می‌رساند. آنگاه که رفت و آمد برایش سخت‌تر شد از آنها می‌خواست که به خانه‌اش بیایند و آنچه لازم است بگیرند. دردها و رنج‌ها و سختی‌هایی را که مادران شهدا و مفقودان و جانبازان کشیده‌اند هرگز نمی‌توان توصیف کرد، فقط خودشان می‌دانند چه بر سرشان گذشته است. یک پسرش مفقودالاثر بود و آنهای دیگر هم دائم یک پایشان در خط مقدم و نبرد. هر عملیاتی که می‌شد یکی از آنها زخم خورده و رنجور به خانه برمی‌گشت تا مادر تیمارش کند و جان که می‌گرفت دوباره راهی‌اش کند که آن دشمن غدار نتواند آسیبی به دین و دنیای ملت برساند. قابل تصور هم نیست که شب را چگونه به صبح می‌رساند وقتی که مارش عملیات از رادیو پخش می‌شد. انگار هر لحظه منتظر بود خبر دردناکی بشنود. صبوری می‌کرد و کارش را با خدایش انداخته بود.

می گوید فکر کنم سال ۱۳۶۲ بود. یک سال بعد از مفقودالاثر شدن امیر حسین. از بیمارستان امام خمینی تماس گرفتند که پسرت زخمی شده و آنجا بستری است. می‌گوید نمی‌دانم خودم را به چه حالی به بیمارستان رساندم. همه هراسم این بود که نکند دست و پایی از فرزندم قطع شده باشد. می‌دانستم او تخریب چی است و با کاشت و برداشت و خنثی کردن مین و مواد منفجره سروکار دارد.

> حاج خانم بورقانی کافی بود اعلام کند بچه‌ها در جبهه به چیزی نیاز دارند تا ملت نه چندان متمول نظام آباد و مسجد جامع فاطمیه هرچه دارند و می‌توانند در اختیارش بگذارند که به جبهه برساند.

این یعنی اگر زخمی بشود به احتمال زیاد دست و پایی را از دست داده است. به بیمارستان می‌رسد و هراسان بالای سر پسرش می‌رود که هنوز کاملاً به هوش نیامده است. قصه مواجهه دردناک مادر را پسرش تعریف می‌کند. هنوز پس از گذشت بیش از سی سال آن را خوب به خاطر دارد.

می‌گوید مادرم سراسیمه وارد اتاق شد. رنگ به صورتش نبود و هیچ به حال خودش نبود. من روی تخت افتاده بودم و لوله و شیلنگ و سرم از اطراف تخت آویزان بود و هنوز از اثر داروهای بیهوشی و آرام بخش گیج و منگ بودم. از ناحیه شکم ترکش خورده بودم و در بیمارستان صحرایی زیر تیغ جراح حاذقی رفته بودم و یک روز بعد هم به تهران رسیده بودم. مادرم را که دیدم سلام کردم اما او انگار هیچ چیزی نمی‌شنید و جوابی نداد. کار مرا در جنگ می‌دانست. نخستین کاری که کرد ملحفه را از روی پای راستم کنار زد و پایم را لمس کرد. بعد پای چپم را دست کشید و دید سرجایش است. سپس سراغ دست راستم رفت و بعد هم دست چپم. خیالش که راحت شد دست‌ها و پاهایم سرجایشان هستند و به قول خودش چهار ستون بدنم سالم است آمد بالای سرم و جواب سلامم را داد و پیشانی‌ام را بوسید و از احوالم پرسید. این اتفاق بارها و بارها رخ داد، گاهی برای این پسرش و گاهی برای آن دیگری.

«حاج خانم بورقانی» امروز از پا افتاده است و به زحمت می‌تواند از اتاق همان خانه کوچکش در نظام آباد به حیاط برود تا هوایی تازه کند. اما دلش هنوز جوان است. حرف‌ها و حدیث‌های ناگفته زیادی از آن روزهای پرتلاطم دارد. هنوز پیراهن پسر شهیدش را در کنارش دارد و وقتی درد امانش را می‌برد آن را به صورتش می‌کشد و قدری آرام می‌گیرد.

در و دیوار خانه‌اش پر است از عکس‌های امیر حسین شهیدش که همسر و همراه همیشگی‌اش با دقت و ظرافت آنها را چیده است. زندگی سختی را گذرانده است ولی به پشت سرش که نگاه می‌کند لبخند رضایت صورت مهربانش را پر می‌کند. خدای محمد، ما را مدیون این مادران دلسوخته نگردان.

عکس: آلبوم خانوادگی شهید بورقانی

آگهی مزایده

فروش دام‌های سبک و سنگین

شرکت حامی سرمایه اقتصاد

شرکت حامی سرمایه اقتصاد در نظر دارد، دام‌های زیر را از طریق مزایده به افراد واجد شرایط به فروش برساند.

ردیف	شماره مزایده	موضوع مزایده	تعداد	مبلغ سپرده شرکت در مزایده (ریال)
۱	۹۶۰۵	گوساله نر پرواز شده ۱۰۰٪ اروپایی نژاد سیمنتال با وزن هر راس بالای ۵۰۰ کیلوگرم	۱۰۰ راس	۶۰,۰۰۰,۰۰۰
۲	۹۶۰۶	تلیسه آبستن سیمنتال خالص ۳ تا ۵ ماهه (متولد شده از مادران و پدران خالص و تحت سیستم اصلاح نژاد کشور اتریش)	۵۰ راس	۴۰,۰۰۰,۰۰۰
۳	۹۶۰۷	قوچ افشاری ۱۲ تا ۱۸ ماهه دارای ژن FECB، دو قلوزایی (هتروزیگوت)	۳ راس	۷۵,۰۰۰,۰۰۰

متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۹۶/۰۸/۲۰ با مراجعه به شرکت حامی سرمایه اقتصاد به آدرس تهران، میدان آرژانتین – خیابان بیهقی، خیابان ۱۴ غربی، پلاک ۳، نسبت به دریافت پاکات شرکت در مزایده اقدام نموده و در مهلت قانونی مدارک و پاکات مربوطه را تحویل نمایند.

سپرده شرکت در مزایده: سپرده شرکت در مزایده هر یک از مزایده‌ها باید بصورت جداگانه و به حساب شماره ۰۱-۹۲۵۶۴-۸۲۰-۸۲۷ بنام شرکت حامی سرمایه اقتصاد نزد بانک انصار شعبه مطهری صورت گیرد.

زمان و محل برگزاری مزایده: ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۹۶/۰۸/۳۰ در محل شرکت حامی سرمایه اقتصاد

مهلت شرکت در مزایده: تا ساعت ۱۳ روز دوشنبه مورخ ۹۶/۰۸/۲۹

جهت بازدید و همچنین کسب اطلاعات بیشتر با آقای افهری با شماره ۰۹۱۲۵۵۳۲۵۳۳ تماس حاصل فرمایید.

انجمن ام‌اس ایران

خدمتگزار بیماران ام‌اس

شماره ثبت: ۱۱۸۲۶

Iran MS Society

انجمن مولتیپل اسکلروز ایران

ام اس

- حمایت‌های دارویی، توانبخشی و مددکاری
- برگزاری سمینارها و کنگره‌های تخصصی
- فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و پژوهشی
- جذب کمک‌های نقدی و غیرنقدی

به‌منظور توسعه حمایت‌های همه‌جانبه

#780*2223*

شماره حساب‌ها: ۱۴۱۴ بانک شهر ۶۲۴۴۱۹۴۲۷۴ بانک ملت ۰۱۰۰۴۴۹۳۸۹۰۰۳ بانک صادرات

به‌نام انجمن ام اس ایران

خیابان انقلاب-خیابان وصال‌شیرازی

کوچه شمس - پلاک ۳۵

تلفن: ۸ - ۶۶۹۵۱۱۸۷

info@iranms.ir ۶۶۹۵۳۹۰۷-۹

WWW.IRANMS.IR

آگهی مناقصه

نوبت اول

دانشگاه آزاد اسلامی واحد رباط‌کریم در نظر دارد نسبت به واگذاری امور خدماتی و امور مربوط به نگهداری فضای سبز خود به‌صورت مجزا و از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط اقدام نماید. واجدین شرایط می‌توانند با در دست داشتن معرفی‌نامه رسمی، کارت ملی و تصویر آن همراه با فیش واریزی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سیبا شماره ۰۱۰۷۰۸۳۳۶۰۰۸ با شناسه واریز ۸۸۶۰۲۰۰۴۸۴ بانک ملی شعبه رباط‌کریم بابت خرید اسناد مناقصه، با مراجعه به دفتر امور اداری دانشگاه واقع در رباط‌کریم – میدان آبشناسان – بلوار دانشگاه – بلوار دانشجو در مناقصه شرکت نمایند.

شرایط:

۱ مهلت خرید اسناد مناقصه جهت تکمیل موارد موردنظر از تاریخ ۹۶/۸/۲۰ لغایت ۹۶/۸/۲۵ و مهلت تحویل مدارک و اسناد تکمیل‌شده از تاریخ ۹۶/۸/۲۷ تا ساعت ۱۴ روز پنجشنبه مورخ ۹۶/۹/۰۲ می‌باشد.

۲ هزینه درج آگهی در دو روزنامه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

۳ دانشگاه در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات مختار است.

۴ سایر شرایط در فرم‌های اسناد مناقصه مندرج است.

۵ پیشنهادات قیمت در اولین جلسه کمیسیون معاملات با حضور پیشنهاددهندگان مفتوح خواهد شد.

آگهی مناقصه عمومی

نوبت دوم

شهرداری شهریار در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار دارای صلاحیت لازم، توانمند، دارای تجربه و تخصص جهت برون‌سپاری خدمات شهر حوزه شهرداری اندیشه فاز ۱ و واپین طبق مجوز شورای اسلامی شهر به شماره ۳۴۴ مورخ ۹۶/۰۸/۰۴ از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید لذا از شرکت‌ها و متقاضیان واجد شرایط دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد مناقصه پس از تاریخ درج آخرین آگهی به مدت ۱۰ روز به دفتر امور پیمان و قرارداد شهرداری شهریار و با در نظر گرفتن شرایط ذیل مراجعه نمایند.

۱ مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۹۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

۲ سپرده نفرات اول تا سوم تا زمان انجام معامله و قرارداد مسترد نخواهد شد.

۳ سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به واگذاری در اسناد مناقصه درج گردیده است.

۴ شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

۵ هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

۶ ارائه گواهی صلاحیت لازم از اداره کل کار و امور اجتماعی برای خرید اسناد مناقصه الزامی می‌باشد.

احسان درخشان نسب- سرپرست شهرداری شهریار

آگهی حراج کالاهای مازاد بر نیاز، اسقاط و خودرو

به شماره ۸۰۱ ز ۹۶

وزارت نیرو

شرکت برق منطقه‌ای یزد

۱	نوع حراج	عمومی حضوری
۲	شرایط اولیه	کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی
۳	زمان دریافت اسناد	از تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۱۷ لغایت ۱۳۹۶/۰۸/۲۳
۴	نحوه دریافت اسناد	واجدین شرایط می‌توانند اسناد را به صورت رایگان از پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات و مزایده‌های شرکت برق منطقه‌ای یزد به نشانی http://www.tenderyrec.ir دریافت و در صورت عدم امکان دریافت اسناد، مراتب را در ساعات اداری از طریق تلفن ۰۳۵-۳۸۲۵۲۳۹۴ پیگیری نمایند.
۵	زمان برگزاری حراج	ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۳۰
۶	آخرین مهلت ثبت نام از پیشنهاددهندگان	ساعت ۹ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۳۰
۷	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار برای اقلام در اسناد حراج ذکر شده است.
۸	محل ثبت نام از پیشنهاددهندگان	یزد، میدان امام حسین، بلوار دانشجو، بعد از پارک شادی، شرکت برق منطقه‌ای یزد، امور تدارکات و قراردادها
۹	توضیحات	سایر مشخصات در اسناد حراج درج شده است.

شناسه آگهی ۳۰۲۹۱

دفتر روابط عمومی